

عنوان مقاله:

بررسی روایت داستان اسکندر و دارا در دو گزارش ابن مقفع و فردوسی

محل انتشار:

فصلنامه جستارهای نوین ادبی، دوره 45، شماره 1 (سال: 1391)

تعداد صفحات اصل مقاله: 35

نویسندگان:

سید حسین فاطمی - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

محمدجعفر یاحقی - استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

مه دخت پورخالقی چترودی - استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

رقیه شیبانی فر - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

خلاصه مقاله:

نهایه الارب فی اخبار الفرس و العرب کتابی است که نام نویسنده/ نویسندگان و زمان تالیف آن مبهم است. در فراهم آمدن این کتاب، نویسندگانی همچون عامر شعبی، ایوب بن قریه، عبدالله بن مقفع، اصمعی و ابوالبختری سهمی داشته اند و سه دوره زمانی (سال 75 ه. ، پیش از سال 142 ه. و حدود سال های 170-193 ه.) را می توان برای تالیف آن در نظر گرفت. به هر روی این کتاب - به ویژه بخش هایی که از زبان ابن مقفع روایت شده است - مهم ترین منبع در شناخت سیرالملوک وی و به تبع آن خدای نامه دوره ساسانی است. از آن جا که شاهنامه فردوسی نیز با واسطه شاهنامه ابومنصوری به خدای نامه می رسد، داستان دارا و اسکندر از نهایه الارب و شاهنامه برگزیده شده تا بتوان به سرچشمه اصلی این دو روایت پی برد. با بررسی تطبیقی داستان اسکندر و دارا در این دو کتاب می توان دریافت که روایت فردوسی در هسته اصلی داستان، دقیقاً همان روایت ابن مقفع است، اما فردوسی با نگرش داستانی مطالبی را که به کار وی نمی آمده، حذف کرده و در عوض جزییاتی را به آن افزوده است.

کلمات کلیدی:

نهایه الارب، شاهنامه، خداینامه، سیرالملوک، ک فردوسی، ابن مقفع، اسکندر، دارا

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/631168>

